

ادب مناجات نه تنها متضمن گرفتن انگشت اتهام به خدا نیست، بلکه نیازمند آداب و شرایطی است که نهایت افتادگی، خضوع و درخواست خالصانه‌ی مخلوق از خالق خود را نشان دهند.

فضل و کرمش، بلکه با قهر و غضب و توانایی اش برای هر اقدامی خواننده می شود. در واقع همان خدای قرآن حاکم است با همه صفات و ویژگی هایش در مناجات هایی که چه از امامان و چه از مؤمنان دیگر نقل شده است. گویی شیعه با یادآوری عظمت و قدرت و قهاریت و اراده حاکم خدا بر خود و جهان و برشمردن گناهان و تقصیرات خود، عجز و فقر و فاقه خود و تخطی هایش از حدود الهی، نخست به خود یادآوری می کند که لایق احسان خدا نیست و خود رامستحق لطف خدا نمی بیند: «وَمَنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ»^۱ و بعد خواهان لطف و رحمت پروردگار می شود.

در سایه این نگاه، هرآنچه از خیر به بنده برسد نیز از سوی خداست و به همین دلیل او همواره در خوف ورجاست، خوف از آنکه خدا با او با عدل خود برخورد کند و رجابه اینکه خدا با فضل خود با او روبه رو شود. آنچه این دعاها و مناجات ها به شیعه می بخشند برتری دادن به امید و غلبه وزن امید است که مسلمان معتقد به پشتوانه آن خواهان این است که رحمت خدا بر خشم او سبقت بگیرد و از آتش جهنم خلاصی اش دهد. این امید در دعای کمیل چنان قدرتمند است که لحنی چون تهدید، اگرچه عاشقانه، به خود گرفته است: «فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَقْبِسُ صَادِقًا لَيْتِنِ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا لِأَصْحَبِ النَّبِيِّ بَيْنَ أَهْلِهَا صَجِيحِ الْأَمَلِينَ وَلَا صِرْحَانَ إِلَيْكَ صِرَاحِ الْمُسْتَضْرَحِينَ وَلَا بُكْيَيْنَ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ، وَلَا تَأْدِيَتَكَ إِنِّي كُنْتُ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ»^۲.

این لحن و مفهومی که بر نهایت امید و اتکای بنده به صاحب تقدیرات عالم تکیه دارد در دعای امام حسین در روز عرفة نیز تکرار

دعاهایی که در بستر آخرالزمان کار خود و دین خدا را از دست رفته می پندارند و خواهان ظهور منجی هستند در این سیر زمانی قابل بررسی است.

این تحولات اما همچنان با پایداری بر اصلی در ادب مناجات است که شیعه از امیرالمؤمنین به عنوان صاحب اولین مناجات ها آموخته است: ادبی که نه تنها متضمن گرفتن انگشت اتهام به سوی خدا نباشد، بلکه نیازمند آداب و شرایطی است که نهایت افتادگی، خضوع و درخواست خالصانه مخلوق از خالق خود را نشان دهند. اگرچه این آداب همیشه شرط صحت دعا نیستند، اما شکل و روش انجام آن ها بخشی از خود دعا و اظهار نیاز است. زانو زدن در محضر خدا و تضرع به او یادآور توحید و باور به خیر بودن خدا و درعین حال نمایش تنهایی، بی پناهی و اضطرار بنده نیز هست. از این رو ذکر عبارت «أَنْتَ الْمَوْلَىٰ وَأَنَا الْعَبْدُ» در حالتی سرکشانه با روح مناجات سازگار نیست. همچنین، روشی مشابه در این ادعیه تقابل صفات دارندگی و توانایی خدا با فقر و ناتوانی مخلوق اوست: «إِزْحَمْ مِنْ رَأْسِ مَالِهِ الرَّجَاءَ وَبِإِصْرِهِ الْبُكَاءَ»^۳. در این بستر و با تأکید بر نابرابری جایگاه انسان و خداست که هرگز زمینه ای برای اعتراض یا گلایه از زمین به آسمان فراهم نمی شود.

دعای کمیل و مناجات های امیرالمؤمنین در مسجد کوفه، به عنوان اولین نمونه ها، همگی مانند راهنما و دستورالعملی برای مناجات های پس از خود عمل کرده اند. خدای این مناجات ها همان خدای قرآن است که هم مهربانی و لطف و فضل او و هم قدرت و عدالت و غضب او در خاطر مناجات خوان هست: خدا نه فقط با

